

کتابچه اساس‌الخیر

محمد بركت

در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ هـ، ق، اکثر شهرهای ایران، از جمله شیراز، گرفتار قحطی بودند. در همان ایام، میرزا عبدالحسین فرماننفرما حاکم فارس می‌شود.^۱ با اینکه از فرماننفرما به خوبی نام برده نمی‌شود، وی برای رفاه حال مردم، اعیان شهر شیراز را جمع کرده و با کمک ایشان، هفت دارالعجزه و یک مریض‌خانه تأسیس نموده و موجب فراوانی نان در میان مردم می‌شود.

تدین در این باره می‌گوید: «وجود قحطی و گرسنگی و کمبود غلات و مواد غذایی در فارس، معضل دیگری برای فرماننفرما بود که نفس مردم را بربیده و رمقی برایشان نگذاشته بود. موقع همگان بر این بود که هر چه زودتر تدبیری در رفع آن امور جانفرسا صورت گیرد. این بود که «فرماننفرما ضمن دعوتی از روحانیون، اشراف، تجّار و مالکان مهم فارس در مقّر حکمرانی، طی سخنانی مبسوط به آنان گوشزد نمود که در این موقع برای کمک به مردم فارس، امیدی به دولت مرکزی نیست و نجات مردم از گرسنگی، به همکاری جمعی نیازمند است، در نتیجه کمک و همیاری آنان باعث شد که اهالی شیراز از قحطی و خوارک و پوشاسک و ذغال به آنها داد». انجام این اعمال کاری عمیق و بنیادی نبود، ولی همین اندازه که توانست گروهی هر چند اندک را از فقر جانکاه نجات دهد، جای سپاس و قدردانی داشت.^۲

گزارشی از عملکرد این گروه در دو دفترچه و به نام کتابچه اساس‌الخیر، چاپ سنگی شد و در اختیار

۱. برای آشنایی با میرزا عبدالحسین فرماننفرما و دوره حکمرانی او در فارس، ببینید: پروین دخت تدین، والیان و استانداران فارس بین دو انقلاب، بنیاد فارس‌شناسی، شیراز، ۱۳۸۴، ص ۳۵۵ – ۴۰۲.

۲. والیان و استانداران فارس بین دو انقلاب، ص ۳۷۶ – ۳۷۷.

مردم قرار گرفت. متأسفانه از جلد اول، اثری در دست نیست. آنچه در پیش روست، جلد دوم این گزارش است که در آن صورت اسامی خیرین و نام محله‌هایی که در آن معازة نانوایی، جهت رفاه حال مردم، نان عرضه می‌کردند، آمده است.

نکته: روی برگ اول و دوم الحاقی نسخه شماره ۱۸۶۵۳ کتابخانه مجلس، قیمت ما يحتاج عمومی در سال ۱۳۳۶ هـ ق آمده که به شرح زیر است. این یادداشت، تصویری از اجناس مورد نیاز مردم و موجود در بازار آن سال‌ها است. با توجه به اینکه کاتب از کلمه «نار»^۱ استفاده کرده، احتماً این گزارش مربوط به شهر اصفهان است. سنگ شهر.

سنگ شاه که شهر است.

نرخ اجناس ۱۳۳۶ اول ماه صفر هزار سیصد سی شش.

هفت روز بقولی مانده.^۲

گندم اول خرمن - پنجاه^۳ - پانزده شاهی.

نان گندم مخلوط به جو ارزن - پنجاه - دو قران.

اول خرمن سه ریال.

نان جو مخلوط به ماشک ارزن کارسک و خاک که مزه جو نمی‌داد - پنجاه - هشت عباسی.

نان ارزن - پنجاه - هفت عباسی.

ولی گیر نمی‌آید هیچ کدام!

کشمش آفتابی - ده نار - یازده شاهی.

کشمش سبز - ده نار - هفت‌صد نار.

شیره - ده نار - ده شاهی.

مغز بادام - یک من - بیست پنج هزار.

نخود بد - ده نار - یازده شاهی.

توت خشکه - یک من - هفده ریال.

نخودچی بد - هر ده نار - هفت‌صد نار.

برنج - یکمن - بیست ریال.

گوشت - ده نار - دو عباسی.

روغن - ده نار - دو قران.

۱. نار: در اصفهان وزنی است معادل ۴ متنقال. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۴۵۵۷.

۲. عبارت «اول ماه صفر» در ابتدا «ماه محرم» بوده که خط خورده و «ماه صفر» شده است. احتماً منظور از جمله «هفت روز به قولی مانده» این است که هفت روز به اول ماه صفر مانده است.

۳. پنجاه: مخفف پنجاه درم که صد و شصت متنقال است؛ یعنی ده سیر یا یک چارک. (محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۸۱۶).

ماست - پنجاه - نه صد نار.
 عدس - ده نار - ده شاهی.
 ماش - ده نار - یازده شاهی.
 لوبیا - ده نار - یازده شاهی.
 ارزن - یک من - سیزده ریال.
 باقلی خُلر ماشک - یک من - پک تومان.
 زردک - یک من - سه ریال سه عباسی.
 چغندر - یک من - سه ریال و یک عباسی.
 سیب زمینی - پنجاه - هفت‌صد نار.
 کاه - یک من - سی شاهی.
 پوست بادام حیوان خوری - یک من - پانزده شاهی.
 پوست سوزانیدنی - یک من - یازده شاهی.
 همیه (هیمه) بادام خشک - یک من - هفت شاهی.
 چله - یک من - شانزده ریال.
 نفت - ده نار - شش عباسی.
 روغن چراغ - ده نار - یک ریال.
 اول یک من دو ریال بود.^۱
 خشخاش - یک من - هشت ریال.
 پنبه دانه - یک من - چهار ریال نیم.
 شکر - ده نار - یک قران.
 گوگرد - قوتی - سه شاهی.
 آرد گندم - یک من - بیست قران.
 آرد جو - یک من - شانزده ریال.
 مس - یک من - دو تومان.
 کرباس شانه هشت - توپی - چهار هزار.
 شانه دوازده - توپی - پنج ریال نیم.
 استکان - یکی - یک قران.
 در این شش ماه.^۲

۱. این عبارت بالای صفحه سوم آمده است و احتمالاً مربوط به «خشخاش» است.
 ۲. این جمله در کنار صفحه آمده، شاید مربوط به تمام اجنباس باشد.

۱۸۶۵۳

۲-۹۸۱۸

<p>نکشیو بند، شاه نادر سے اول مادھر شیخ افلاس ۱۳۳۴ھ بزار صد سی ششی سنه خوشمند بجاہ پارزدہ</p> <p>هفت بقومی ماندہ نان گندم قلبو طیخ اوزن روز خوشمند سرماں</p> <p>لکھن افلاجی دہ نار آرنا رده نان جو خلوبٹا باشک ازون کا سکر فناکو کمرنہ جو غنی داں بچا پہنہ عباسی کنہمی بزر دھنعت صدار نان اوزن بجاہ هفت عباسی</p> <p>ولی کمرنہ اعلیٰ بچ کلام</p> <p>وست خنکہ کلکنی نزہہ راں پڑھنگہ کلکنی ہفڑہ راں</p> <p>خود جی بہ لکھن ملکہ بہ دہ نار هفت صدار</p> <p>شیخ لکنی بلیں سرماں</p> <p>کورنست دہ نار دو عباسی</p> <p>لو عن دہ نار دو قران پارست بجاہ مدد صدار</p>	<p>پستہ دو تار دو تاری مغزا دام کلکنی جیسہ بیشنج ندار خونز دو تار پارزدہ کلکنی</p>
--	--

عرس ماسن لو بیا از زن
 ده نار ده نار ده نار یکمین
 ده نار پا زده هایی را زده هایی بزرگ ده را باش

باقال حمله ما شک زردگه چفند
 یکمین یکمین یکمین
 سرمه را با عباشی سرمه را با عباشی

سیب زمینی کاه پوست آزاد حیوان خوار
 یخچاه یکمین یکمین یکمین
 چفت صدرار کی تاریخ پا زده هایی
 پوسته هزار ایندیخی ده هایی با داشت

یکمین پرتال جلیح علو یکمین نانی
 یکمین یکمین یکمین
 یکمین یکمین یکمین

نهفته روغنی خراج
 یکمین مخفی ده نار
 سه هزار ملکی عباشی یکمین را باش

کمک مکتبی در ریال ۱۰
 اور کمک مکتبی در ریال ۲۰
 اور کرد سکر دو دار
 فرقی سخنگاهی
 سرمه شناسی
 لکھنی
 بھوث
 بہت ریال چهار ریال نیم

مس نکتی
 ارجو
 از دکنندم
 دو توان
 لکھنی
 بہت قران
 ستر چهار ریال

کمک مکتبی سخنگاهی
 پرمال جامع علوم انسانی دارین سخنگاه
 ریال ۳۰
 انتکار
 نہ دوار ۴۰
 لکھنی
 بیخ ریال و نیم



پیام پهلوستان / د، س، ش، ۱ / بهار ۱۳۹۱

جون کنگناد مرطیه امام حسین (ع) شماره ۳۱۰۶۴

۱۴۱۰

هو
صورت

جلسات هیئت منحیین خبرنگار

شیراز روز و شنبه ۲۵ مهر ۱۳۵۷

و دین ایالت والا خضرت

عبدالحید بن زیراعی فرمان فرمادار فارس ک

اولین ایالت تا حال

بیست سالی و مطالعات فرنگی

دانسته مع علوم انسانی

۲۷۶ زیرف کاغذی از فارس

نهیت داده گالی از جمیع این ادراکات نیست بلکه همه که ایجاد شده اند از این نظر می باشند. همچنان که در اینجا بیان شده است، این ادراکات را می توان از دو دیدگاه متفاوت بررسی کرد. از یکی که می تواند این ادراکات را میان این دو دیدگاه متفاوت بررسی کند و از دیگری که می تواند این ادراکات را میان دو دیدگاه متفاوت در نظر نداشته باشد. این دو دیدگاه متفاوت را می توان از دو دیدگاه متفاوت برای بررسی این ادراکات در نظر گرفت. این دو دیدگاه متفاوت را می توان از دو دیدگاه متفاوت برای بررسی این ادراکات در نظر گرفت.

طبع جمهوری اسلامی فارسی کنگره ها و سنت برگاه

بمدد حضرة محدث ایاں بدانلی تسلیم کیے گئے تھے۔ وہ فتح خداوند اس پریشانی کو

اطمیت مولانا

آفهان طایپ نموده ایشان پسندیدند که همان روز
آفهان طایپ نموده ایشان پسندیدند که همان روز

آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان	آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان خانسرایی آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان	آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان	آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان
پاره هستیکه و دلخواهی نهادنی داشتند آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان	سنسنون فارسی محبت ارجمند بک آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان	آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان	آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان آهی طاچ سوکولار و زنگنه چهارمین یا تیک بکان

موده از آن هم نمی تربت و دادعت باید من کشکو باید را شد و از آن هم
آگاه باز نداشت و اینها بعده می خواستند این را باز نداشته باشند
لذا علاوه بر فتوخانی که بین پسری خود پیش از این شرکت می خواستند
آن را بین شفیقی بدانند که این اراده از او در زمانی که هنوز
این را بین شفیقی بداند نداشت و این اراده از او در زمانی که هنوز
پسندیدن این را بین شفیقی بداند نداشت و در این حالت شفیقی بوسیله
پسر خود را در این مورد بگذشت و این امر می خواهد این را بین شفیقی
بگذشت و این امر می خواهد این را بین شفیقی بگذشت و این امر می خواهد

نحویات مالت خطا

دو ساعت نیزه داده و مکاره های پرست و رطیاب با شیر و زعفرانی می بینند که در این مدت شنیده اند و آنها را بخورد و خوشمزه می کنند.

وَأَدْهَمَنِي تَرْبِيَتُكَ كَذَلِكَ دُونَكَ وَأَدْهَمَنِي
أَنْ يَأْتِيَكَ مِنْ فَوْدَيَةِ الْمُطْرَكِ كَذَلِكَ دُونَكَ وَأَسْكَنَكَ عَنْهُمْ بَعْدَ أَنْ يَأْتِيَكَ
أَنْتَ شَدِيدُ الْمُشَاهَدَاتِ وَكَارِثَةُ الْمُدَرَّجِ وَأَنْتَ قَدْرُ الْمُشَاهَدَاتِ فَأَنْتَ كَذَلِكَ
وَصَنَعْتَ لِيَكَ دُونَكَ وَأَنْتَ مَنْ هَامَكَ دُونَكَ وَأَنْتَ كَذَلِكَ دُونَكَ وَأَنْتَ
بَشَّارُ الْمُشَاهَدَاتِ وَكَارِثَةُ الْمُدَرَّجِ وَأَنْتَ قَدْرُ الْمُشَاهَدَاتِ فَأَنْتَ كَذَلِكَ
جَزِيرَةُ الْمُشَاهَدَاتِ وَكَارِثَةُ الْمُدَرَّجِ وَأَنْتَ قَدْرُ الْمُشَاهَدَاتِ فَأَنْتَ كَذَلِكَ
وَصَنَعْتَ لِيَكَ دُونَكَ وَأَنْتَ مَنْ هَامَكَ دُونَكَ وَأَنْتَ كَذَلِكَ دُونَكَ وَأَنْتَ
فَأَكْرَكْتَ دُونَكَ وَكَارِثَةُ الْمُدَرَّجِ وَأَنْتَ قَدْرُ الْمُشَاهَدَاتِ فَأَنْتَ كَذَلِكَ
شَفَاعَةُ الْمُشَاهَدَاتِ وَكَارِثَةُ الْمُدَرَّجِ وَأَنْتَ قَدْرُ الْمُشَاهَدَاتِ فَأَنْتَ كَذَلِكَ
وَأَنْتَ بَشَّارُ الْمُشَاهَدَاتِ وَكَارِثَةُ الْمُدَرَّجِ وَأَنْتَ قَدْرُ الْمُشَاهَدَاتِ فَأَنْتَ كَذَلِكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لر و مکانی داشتند که با پیشگیری از این طبقه ب، آن را در آن می‌بینیدند
و قدر نمودند که در هر مرتبه از این طبقه ب، آن را در آن می‌بینیدند
؛ هر چند این طبقه ب، از این طبقه ب، آن را در آن می‌بینیدند
آنرا تقدیم کردند و در آن طبقه ب، آن را در آن می‌بینیدند
گلخانه را در آن طبقه ب، آن را در آن می‌بینیدند
آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده
آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده
آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده
آنرا در آن طبقه ب، آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده
آنرا در آن طبقه ب، آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده
آنرا در آن طبقه ب، آقای پیشنهادکننده، آقای پیشنهادکننده

جایزه شعر حمید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لهم اذ دعك سر کیمیهای بدن را از المیت بگیر و دن بروی و بدن
ارسیت پنهانیتی را در آن راه نهیم داشت بلکن دید و بگذرد که
نمای کرد و فیضیکه های دشمنی داشت آن در میان زبانهای شرکت
پارچه های خود را به شکم خود برمی شد و می دست مردم قاتل شد
و زبان فیضیکه های دشمنی را گذاشت اما پس از اینکه زبان
شمشیرهایش بودند آن شرکمی خود را بخواهید و این
آنکه زبانش را باز نمایند و از خود خود را بخواهید و این
آنکه بزیسته های از شرکمی خود را بخواهید و این
آنکه بزیسته های از شرکمی خود را بخواهید و این
آنکه بزیسته های از شرکمی خود را بخواهید و این

شانه و میوه‌های این جنگل ناسیت که از آنها برای علاج سرمه‌ای احتیاج داشتند. همچنان که در اینجا مذکور شد، علاج سرمه‌ای می‌تواند در مراحل پیش از بارگیری و پس از آن مفید باشد.

سپه و افسوس نمودند و هر دوی از پسران خود را کشیدند
در عصاین راه برخیزدند و اینها بگفتارند که از زندگی
جهادی این شیوه است که اینها بگفتارند که از زندگی
فارس و ایرانیان در آنکه کسی که از اینها بگفتارند
ترشی از آن مغلوب شود و بگفته از اینها که از زندگی
اینها بگفتارند که از زندگی اینها بگفتارند

اکنون پرتو زدروانی ایضاً باز بگیرم و همینها را وقتی که می‌خواهم
نمایند و در پس از آن را تسبیح نمایم و بعدها نیز پیش از خود را
ایالت پیشترین نهاد کشوری داشت که برای دادگاهی که نزد آن ایجاد شد
که می‌دانست سیل آن را در سال ۱۸۷۰ می‌دانست و در سال ۱۸۷۰ می‌دانست آن را به کلی قابک نزد
آنچه از ایالت شد و منتهی آنرا در این دادگاه درکشیده ایشان را از
نهضتی را که بیش از دو دهه پیش از این زمان داشته بودند که ایشان
باید ایالت نداشته باشد و اینکه از اینجا با اینکه این ایالت
که بیش از هشتاد و سی سال است از اینجا نباشد و در حقیقت این ایالت
قدرتی را برخواهد که از اینجا نباشد و در حقیقت این ایالت
ایالت شد و این ایالت که در پیش از این ایجاد شد ایشان را از اینجا
آن ایجاد نمی‌کرد و در حقیقت این ایشان را ایجاد نمی‌کرد و این ایشان
باید ایشان را ایجاد نماید و این ایشان را ایجاد نماید و این ایشان
برقی می‌کرد که ایشان را ایجاد نماید و این ایشان را ایجاد نماید و این ایشان
که ایشان را ایجاد نماید و این ایشان را ایجاد نماید و این ایشان را ایجاد نماید
که ایشان را ایجاد نماید و این ایشان را ایجاد نماید و این ایشان را ایجاد نماید

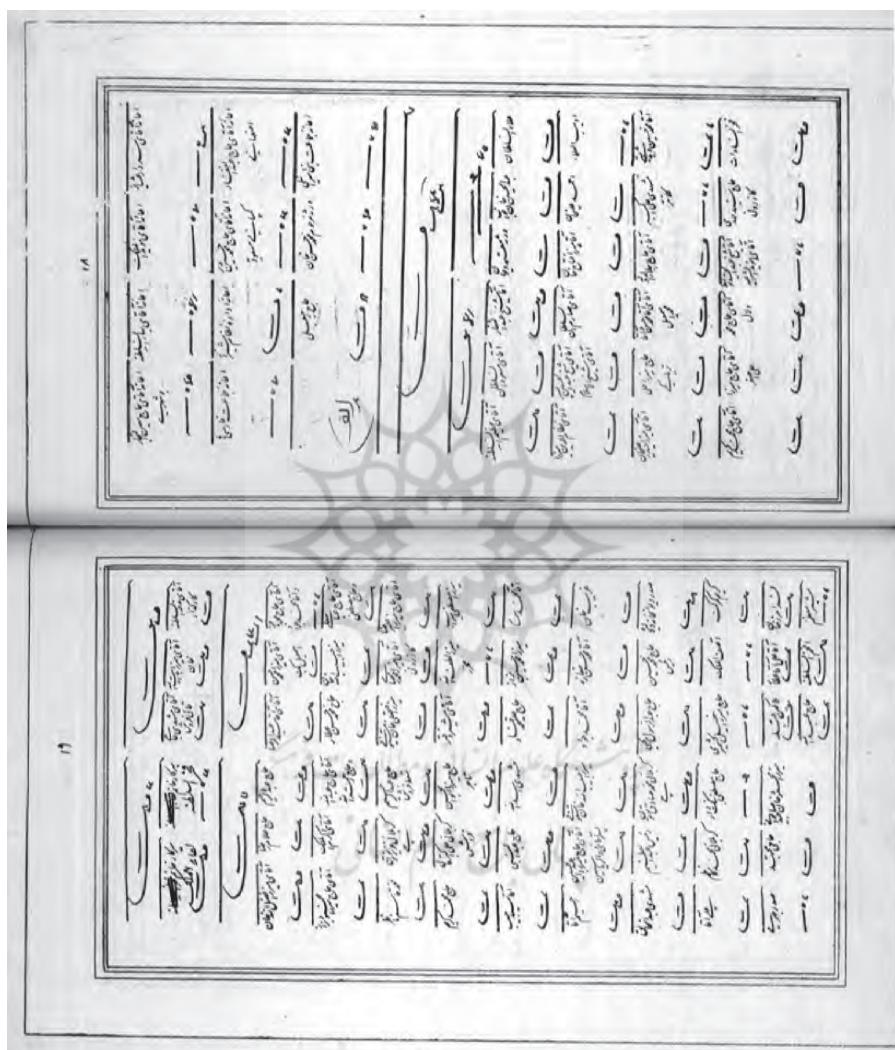
ام سپس پیش مذکور شد
رسیمی و اتفاقاً کارهای طغیانی پیش نمودند
که مکمل این اتفاقات بودند
آنها را در آن مکان می‌گردانند
و از آنها برای این اتفاقات می‌گفتند
که این اتفاقات از این دلایل می‌باشد
که این اتفاقات از این دلایل می‌باشد
که این اتفاقات از این دلایل می‌باشد
که این اتفاقات از این دلایل می‌باشد

میرزا عابد نعمتی سینه از ولده در حی و میرزا عابد نعمتی سینه از ولده در حی و
برای اطلاع عموم رخانه خلدود و مسکن نخست
زماني عاصم پنج بچه از نعمت خوش با ها
و نهاده کار و از این شاهزادگان پنجم از فرقه
غلام

بیو نوچنی ب بنت الدبور و شیخی بوده است زانی که آشنا
دغوب و سارازن از راهی شده است برای فرمانی های
کوچک و بزرگ شناسی شد و با دلیل این کاری های شناسانه
پول بگیر، کاچان پسرانه نموده که این کاری های شناسانه
نمودنی دوستکنند که این کاری های شناسانه شد و دلاری
سالانی از نعمت خواهند کرد و می خواست پسر که از اینها باید
نموده است همه کار کوشیده و پرسی کردند که این کاری های
شناختی که بخوبی داشته اند که این کاری های شناسانه
باید که در کشورهای اسلامی بروز نمایند و این کاری های
شناختی که بخوبی داشته اند که این کاری های شناسانه

14

میں	بے	بے	بے
بے	بے	بے	بے
بے	بے	بے	بے
بے	بے	بے	بے
بے	بے	بے	بے

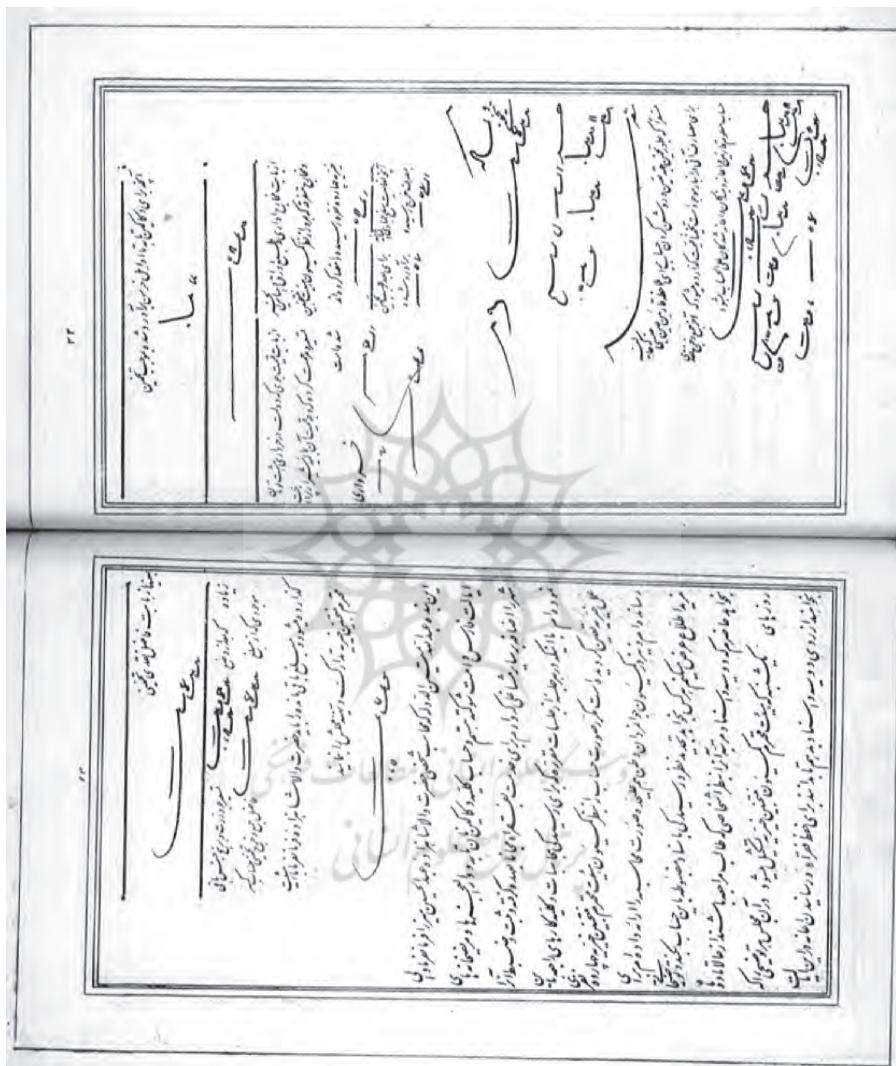


لطفیان را در پیش از آنها بگیرند و با هم می‌کنند و با هم می‌کنند

لِيَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالنُّورُ يَوْمَئِذٍ
لِيَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالنُّورُ يَوْمَئِذٍ

کمپین‌های اقتصادی را در ایران ایجاد کردند و باعث شد
که اقتصاد ایران بسیار پیشیزی نداشت و این می‌تواند
نوزده سال اخیر این کشور را در میان اقوامی که داشتند
قوی‌ترین کشوری بودند می‌داند. این اتفاقات
و تغییرات اقتصادی ایران را در این سیاست
از آن به دنبال داشتند.

ل



تہذیب و مضاکیہ سیون تحریر و نشر

خانه را که بیوی خود را که در آن زندگی می‌کرد
باداده نموده بسیاری از دوست‌ها و هم‌جایانشان
که شرکت تدریس هنر و علوم پزشکی داشتند
آن را بازدید نمودند و اینها از اینجا
که در آن زندگی می‌کردند می‌گفتند: «اینها
همچنان که از دریا می‌باشند نمی‌توانند
که در دریا شناخته داشتند!» طالع‌الدین یعنی
علی سیاه‌پوش اتفاقاً از اینها یاد شد و آنها
علی غلامی بنی پیرزاده را می‌دانند. اینها از
سیاه‌پوش باشدند اما از اینها برای اینکه هم‌
ایرانیانند اینها را پیرزاده می‌دانند.

حکم ایالت

۱۰۷

عَصَلَانِيَّةُ وَبِعَوْمَانِيَّةُ

اگر موسی را ایاد شد و ایاد شد پایان یافته باشد
اما زدن و قش و اینها را که بقایه همچو
بلوچی نیستند و شکنون در برابر آنها هستند
و از آنها کسانی نیستند که کسی پایان یافته باشد
پیغام فرشتگی است این اینه و همه دوست
بهم کاری که پیغام فرشتگی بفرشند و غیره که
دوفیکه ای
نیز و نیز و نیز
دوفیکه ای
محی سب ای
کسی کسی کسی کسی کسی کسی کسی کسی کسی کسی

اسے وحیلیں پڑھنے کا شکریہ
تمہارا بھائی کو اپنے سامنے
دیکھ دیا تو اس کا سچا سچا
خواہیں ملے تو اس کی رسمیت
بھائی کو اپنے سامنے
کھینچ دیا تو اس کی رسمیت

ردن چهارمین پردازشی این دستورات را می‌نماییم که در آن می‌بینیم که این دستورات می‌توانند برای تأمین نیازهای خود که در این دستورات مشخص شده‌اند، کافی نباشند.

